

چند خط برای کتاب «گنجشک‌های برفی»

گنجشک‌ها در دستان انسان‌ها گرم می‌شوند

آرنیکا عمادی

نوجوان
کتابخوان

کتاب «گنجشک‌های برفی» را وقتی خیلی کوچک بودم مامانم برایم می‌خواند. وقتی این کتاب را می‌خواندیم خیلی دلم برای گنجشک‌های سوخت و خیلی خوشحال بودم که دانا به گنجشک‌های توی باغ‌شان کمک می‌کند. داستان کتاب این است که در شهر دانا برف شروع با باریدن می‌کند و با این‌که دانا اول بسیار خوشحال بود که برف می‌بارد، ولی کم‌کم نگران پرنده‌ها و گنجشک‌های می‌شود. او گنجشک‌ها را می‌بیند که زیر برف کم‌کم سردشان می‌شود و تصمیم می‌گیرد که گنجشک‌ها را به کمک دوستانش از سرما نجات دهد. ولی این کار به آن آسانی‌ای که دانا و دوستانش فکر می‌کردند نبود



بچه‌ها، شاید به نظر خیلی از شما کمک کردن به دیگران و به حیوانات کار بیگانه‌ای باشد و یا شاید به نظراتان کار پرزحمتی بیاید که البته پرزحمت هم هست، ولی کمک کردن به دیگران شانس خودتان را در زندگی بیشتر می‌کند. چطوری؟ مثلاً اگر در مدرسه یا سر امتحان مشکلی برایتان پیش بیاید، چون شما قیلاً به دیگران و یا حیوانات کمک کرده‌اید، خدا هم به شما کمک می‌کند. مامانم می‌گوید: خدا می‌گوید حالا که تو به انسان‌ها و حیوانات کمک کردی، من هم به تو کمک می‌کنم. «دقیقاً مثل دختر توی قصه «گنجشک‌های برفی»؛ دانا به گنجشک‌ها کمک کرد تا سردشان نشود و خدا هم حتماً به او در آینده کمک خواهد کرد.

وقتی قصه کتاب «گنجشک‌های برفی» را می‌خوانم خیلی سردم می‌شود، چون کتاب پر است از تصاویر خیلی قشنگ برفی، انگار که برف‌ها در حیاط خانه خودمان است. تصویرگر کتاب، خانم منصوره سادات محمدی است که نقاشی‌های برف و گنجشک‌ها و دانا را خیلی قشنگ کشیده است. ولی من می‌دانم که قصه کتاب هم خیلی خوب نوشته شده که من حس سرما را خوب می‌فهمم و دلم برای گنجشک‌ها می‌سوزد. قصه این کتاب باعث شده که من همیشه موقع بارش برف و باران به فکر حیوانات هم باشم.



ویرترین

۲۷۷

قفسه کتاب

ضمیمه کتاب | ۲۲ آبان ۱۴۰۳

سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی

صفحه آرا: مجتبی دهقانی

جلد: سپهر سهامی فرد

ویرایش عکس: زرناز حسینی

ویراستار: اکبر فکری

همکاران این شماره:

رضا شعبانی، الهام اشرفی

سمیه جمالی، الهام قاسمی

منصوره جاسبی، سعیده اسداللهی

حسین شرفخانلو، حمید بناء

وزین گل محمدی

شناسنامه

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

از برخی اعضای تحریریه خواستیم هر کدام سه کتاب جدید را به مناسبت هفته کتاب برایتان معرفی کنند

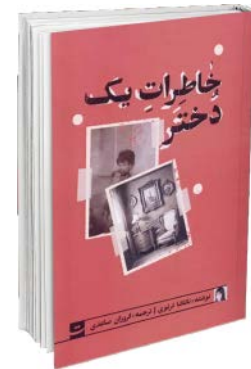
سه کتاب که دوست‌شان داشته‌ام!



داستان بلند فوق درواقع یک زندگی‌نامه است. ناتاشا تروتوی، نویسنده این داستان بعد از ۲۵ سال خاطرات زندگی خود را روایت می‌کند. شخصیت اصلی این داستان دختری است که خاطرات مادر سیاهپوستش را بازگو می‌کند.

مادری که در فضای متشنج اوایل قرن بیستم آمریکا، متحمل ناعدالتی‌های فراوانی می‌شود و ناتاشا شاهد همه این‌هاست. مادر بارها قربانی شکنجه و خشونت‌های خانگی می‌شود و در نهایت توسط ناپدری ناتاشا به قتل می‌رسد. مواجهه این دختر با مصائبی که بر مادر گذشته و مرور خاطراتش، وی را دعوت به کشف معنای زندگی می‌کند. این کتاب با نثر و ترجمه‌ای روان توسط فروزان صادی ترجمه شده و در نشر تداعی به چاپ رسیده است.

خطرات یک دختر



خنده‌های هراس و تنهایی

در کتاب «خنده‌های هراس و تنهایی» دو داستان به صورت موازی روایت می‌شوند. یکی داستانی کهن و محبوب از زندگی دو شاهزاده که گویی در تاریخ ادبیات به فراموشی سپرده شده و اثری از آن باقی نمانده و دیگری روایت یک آدم امروزی است که در قالب یک پژوهشگر جوان درست شبیه باقی آدم‌ها دغدغه زندگی روزمره و آزادی‌هایش را دارد. در این کتاب، این دو داستان با هم پیش می‌روند و از هم تاثیر می‌گیرند.

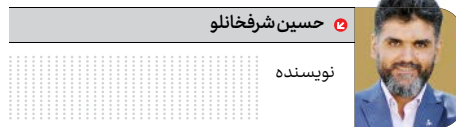
هم داستان دوشاهزاده و حوادث پیرامون‌شان روی پژوهشگر جوان و هم داستان زندگی این پژوهشگر، روابطش و دگرگونی‌های فکری‌اش در سرانجام این داستان کهن. به واقع خواننده شاهد نحوه اثرپذیری این دو روایت بر یکدیگر است. این داستان به قلم مسعود بربر در نشر چشمه به چاپ رسیده است.



مجموعه داستان چاه ارمنی

این مجموعه شامل هشت داستان کوتاه است که با ایده رنج و درد، روایتگر انسان‌های فراموش شده است. همان‌هایی که به ظاهر می‌شناسیم‌شان اما کمتر به چشم می‌آیند. آدم‌هایی آسیب‌دیده از دل جامعه که با زندگی پردردشان عجیب شده‌اند. روایت‌های افسانه‌آقایی با زبان و نثری تمیز، مضامین اجتماعی را عمیق و تاثیرگذار واکاوی می‌کنند. ایجاز در داستان‌های این کتاب به گونه‌ای است که مخاطب را دلزده و سرخورده نمی‌کند. ساختار و بدنه داستان‌ها در راستای ایده پیش می‌روند و پیچیدگی‌های شخصیت‌ها در وقوع موقعیت‌ها بروز می‌کند.

افسانه‌آقایی اساس داستان کوتاه را بلد است و شیوه روایتگری‌اش احساسات عمیق مخاطب را برمی‌انگیزد. این مجموعه داستان در ۸۸ صفحه به قلم افسانه‌آقایی در گروه انتشارات ققنوس، نشر هیلا به چاپ رسیده است.



در زمانه‌ای که از بس صبح تا شب در معرض سیل آسای خبر و شبه‌خبر عین گنجشک آب کشیده، مجال پر زدن مان نیست و توهم دانستن جای دانستن و دانایی را گرفته، روایت اول و نگاه خارج از چهارچوب رسانه‌های دیداری و شنیداری بسی شیرین تر است. اصلش هم این است که رسانه‌های دیداری را خاصه این نوظهورهایش را برای اغوا ساخته‌اند و قلب حقیقت به آنچه که صلاحش می‌دانند. و من در این چند صد کلمه قرار است سه کتاب معرفی کنم که اولاً دوست‌شان داشته‌ام و مهم‌تر این‌که سال چاپ‌شان ۱۴۰۳ باشد.

دودستی



این کتاب منصور ضابطیان که سفرنامه اوست به ژاپن و آمیخته است به تجربه‌های پیشین و نگاه اجتماعی‌ای که یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای می‌تواند داشته باشد و مثل تمام روزنامه‌نگاران، محدود و مکلف و مقید به ساختارهای رسمی نیست و در سفر رفتن و نوشتن آنچه برایش جذاب بوده، دچار آیین‌های اداری و تکلف‌ها و رودربایستی‌ها نیست و از ژاپن تصویری ساخته است که درست از متن جامعه و روابط انسانی آن کشور گرفته شده و حتی در انتخاب اقامتگاه سفر یک ماهه‌اش حواسش جمع بوده که به هتل‌های زنجیره‌ای معروف که در هر کشور و شهر بزرگی شعبه دارند نرود که دچار پروتکل‌های آن هتل، نتواند ببیند مردم عادی ژاپن در چه جور جایی زندگی می‌کنند و بفهمد که تخته‌خواب هنوز در فرهنگ اجتماعی ژاپن رسوخ نکرده و مردم عادی روی زمین و کف اتاق‌شان می‌خوابند و هزار تصویر دیگر اینطوری که تو را همراه خود می‌کند در سرزمین آفتاب تابان.

این‌طور نیست بابا؟



امسال و در نمایشگاه تهران، «این‌طور نیست بابا» را از امام موسی صدر دیدم و خریدم و در همین «قصه» آن را به طرز مفصل‌تر معرفی کردم و کتاب، پیاده‌شده نوار کاست‌هایی است که امام موسی صدر از دل خون و آتش لبنان دچار جنگ داخلی در دهه ۸۰ میلادی، برای اولاد به تحصیل مهاجرت‌کرده‌اش پر می‌کرده و پست می‌کرده و در آن از فلسفه دین و رسوم تاریخ اسلام تا توصیه‌هایی که هر پدری باید به اولادش بکند یافت می‌شود و اصل این نوارترایی، آن‌هم در دهه‌ای که اسباب انتقال صوت به این سادگی که امروز مهیاست فراهم نبود، ایده هوشمندانه‌ای است که از ذهن خلاق کسی مثل موسای مسیح برمی‌آید و چنان گیراکه بعد از نیم قرن، هنوز شنیدنی و خواندنی است.

لهجه‌های غزه‌ای

و کتاب سوم، «لهجه‌های غزه‌ای» که داغ داغ است از دل غزه‌ای که یک سال است در آتش جنون و توحش صهیونیست‌ها شعله می‌کشد و یادایام و بلاگستان به خیر که دو نفر از سکنه آن باریکه پربلای تحریم شده، روزمره‌هایشان را از آنچه در دل معرکه می‌گذرد و نه آنچه که از لنز دوربین الجزیره و بی‌بی‌سی می‌بینیم، روایت می‌کنند و دست اول دست اول است. دست سوره مهر درد نکند که کتاب را داغ داغ ترجمه و چاپ کرده است.

